

”هفته جنگ“ را به هفته مبارزه در راه صلح تبدیل کنیم!

در صفحه ۳

برگی دیگر برد فترجانیات ارتجاع افزوده شد

سرکوب خونین

اعتصاب کارگران ”کانادادرای“

در صفحه ۶

جمهوری اسلامی، شریک اجرای سیاست آمریکایی کارشکنی در حل مسأله آمیز مسئله افغانستان

همه، در حالی است که جنگ اعلان نشده
امپریالیستهای آمریکایی و اروپایی به اتفاسق
ارتجاع پاکستان و ایران علیه افغانستان
ادامه دارد.
دولت جمهوری دیمکراتیک افغانستان،
بارها اعلام کرده است در راه دستیابی بسه
راه حل مسأله آمیز مسئله و برقراری مناسبات
حسن همجواری با ایران و پاکستان از هیچ
بقیه در صفحه ۴

با گذشت شش سال و نیم از پیروزی انقلاب
نور در افغانستان، حکومت مردمی این کشور
هر روز گامهای استوارتری در راه تحکیم،
تثبیت و بازگشتناپذیر کردن روند انقلابی
در افغانستان بر می دارد. اجرای موفقیت
آمیز اصلاحات مردمی، به ویژه مبارزه پیگیر با
زمینداران بزرگ و تقسیم زمینهای کشاورزی میان
دهقانان، پیوند زحمتکشان و دولت انقلابی
را بطور پیوسته مستحکم تر می سازد. این

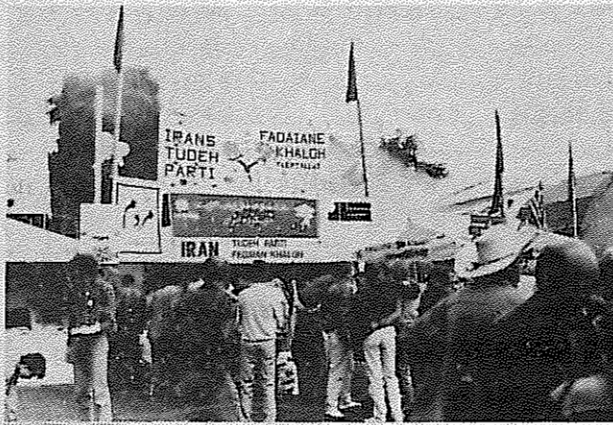
شتاب رژیم برای سرو سامان دادن به وزارتخانه جاسوسی

های اطلاعاتی کمد رژیم گذشته تشکیل شد فاند و
پرونده هایی که ارگانهای جاسوسی رژیم کنونی برای
طیف وسیعی از جامعه ترتیب داد فاند، در کجا
تمرکز می یابند، دستگا ههای جدید کنترل تلفن
وردیاب خریداری می شوند و از دستا ههای
موجود کار بیشتری کشیده می شود، برتعداد
بقیه در صفحه ۴

جمهوری اسلامی با شتاب تمام در حال
سرو سامان دادن به دستگا ه اطلاعاتی خویش
است. بین نهاد های مختلف جاسوسی،
هماهنگی و بعضا ادغام صورت می گیرد، کادرهای
ساواک و ضد اطلاعات ارتش با آغوش بازتری بسه
کار دعوت می شوند، زیر نظر اینان، در کلاسهای
ویژه، جاسوسهای حرفهای تربیت می شوند، پرونده

۱۷ شهریور، روزی که پایداری خلق، مهرنگ ابدی بر رژیم ستمشاهی زد

در صفحه ۷



غرفه مشترک فدائیان خلق - دانمارک و هواداران حزب
توده ایران در جشن روزنامه ”لن افالک“ در صفحه ۵

هزاران شرکت کننده در جشن
روزنامه ”لن افالک“
(ازگان حزب کمونیست دانمارک)،
نمایندگان فدراسیون سراسری
کارگران حمل و نقل هندوستان
و هنرمندان و دیمکراتهای
ایتالیایی، سیاست خانانان رژیم
ج.ا. مبنی بر تداوم جنگ و سرکوب
نیروهای انقلابی را محکوم میکنند

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۶ شهریور ۱۳۲۳ برابر با ۷ سپتامبر ۱۹۸۴
بها ۴۰۰ ریال - سال اول - شماره ۲۳

جستجوی کلید حل بحران در گاو صندوق های بازار

بالاخره حرف آخزده شد و خیال همسه
جنابهای حکومتی راحت شد. بازار اقیافهای
حق به جانب لیخند زد، عوامفریبهای حرفهای
در یافتند که دیگر لازم نیست دست به عصا را ببرند
و صد تا به میخ و یکی به نعل بزنند، نخست
وزیر فورا بخشنامه صادر کرد و شورای نگهبان
از یابت سرمایه های ”شرعی“ (توبخوان شرع
سرمایه) خاطرش آسوده گشت.
برای مردم نطق ۶ شهریور خمینی، فتوای
تازه ای در برندا است، آنهاد برزمانی است خنجر
مرصع سرمایه راکه بردسته طلائییش آیات و او را د
حک شده است، در جگرخویش خلیده می بینند.
آنهاد ریافته اند، ارتجاع ”بهن“ی راکه راه
بقیه در صفحه ۱۲

به مناسبت یازدهمین سالگرد
کودنای آمریکایی پینوشه در شبلی

سالوادور آلنده: تاریخ از آن ماست!

در صفحه ۱۰

ورزش ایران، در صفحه ۸

بیماری در حال احتضار

”طرح سالم سازی“ دریا

تحلی انحطاط فکری و اخلاقی

در صفحه ۴

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

جستجوی کلید حل بحران در کاو صندوق های بازار

بقیه از صفحه اول

سرمایه رسد کرده بود در میان برداشته است. اکنون بازار دارد فاتحانه پیش می تازد.

نطق ۶ شهریور رهبری جمهوری اسلامی، بیان صریح يك فتوای کهنه بود. حتی خود او نیز به این امر اذعان داشت آنجایی که گفت: "بازار را شريك کنید در کارها... این يك مساله ایست که بسیار مهم است در نظرم. من کرارا هم گفتم، آقایان هم وعده دادند و لسی نمی دانم چقدر عمل شده، در هر صورت این هم از مسائلی است که بسیار اهمیت دارد." (اطلاعات - ۷ شهریور)

نخست وزیر نیز به درستی حاضر نشد در مصاحبه مطبوعاتی ۱۲ شهریور، از يك چرخش صحبت کند. او گفت: "ما این مرحله را به هیچ وجه چرخشی در سیاستهای اقتصادی نمی دانیم. بلکه يك توجه تازه به نیروهای سیاسی می دانیم که در جامعه از استعداد بالایی از نظر سرمایه و سایر مشخصات برخوردار هستند."

(زاد یوی رژیم - ۱۲ شهریور). او در جای دیگری از این مصاحبه بر این نکته تاکید داشت که روند پرشتاب گزینش رشد سرمایه داری بعد از مدتی دست به عصا رفتن و پشتک و واروژدن مدتهاست آغاز شده و نطق اخیر ولی ققیسه تنها کنزردن پرده های شرم و حیای بوده است. به بیان خود او "سیاستهای اقتصادی الان ایران، همان شکل تکامل یافته آن سیاستهای قبلی است و اگر برنامه های ۵ ساله ای که دولت به مجلس ارائه داده، وقت بشود، دیده خواهد شد که به تدریج برای بخش خصوصی، سهم بیشتری جهت شرکت در فعالیتهای اقتصادی در نظر گرفته شده، و در این زمینه من فکسر نمی کنم. چرخش و يك تجدید نظر اساسی صورت گرفته باشد." (همانجا)

بنابر این ممکن است این سؤال پیش آید که اهمیت فتوای ۶ شهریور در چیست؟ اگر صحبت از يك چرخش در میان نیست آیا نباید به این فتاوی و بیثابه گامی همانند گامهای قبلی در جهت از میان بردن همه موانع غارتگری سرمایه داری نگریست؟ اگر صرفاً از زاویه سیاستهای اقتصادی رژیم به قضیه نگاه کنیم پاسخ سؤال اخیر مثبت است. خود موسوی نخست وزیر هم دیدیم که گفت هیچ اتفاق مهم تازه ای نیافتاده است. "بخش خصوصی" پیش از این نیز، بر روی تخم چشم رهبران رژیم جا داشته است و به تدریج بر میران سعمش، افزوده گشته است. آقای وزیر بازرگانی نیز، مساله را از زاویه تجارت خارجی، چنین توضیح می دهد: "اصولاً سیاست بازرگانی خارجی این وزارتخانه در گذشته نیز بر مبنای مشارکت بخش خصوصی استوار بوده است، اما پیام

امام استحکام تازه ای را جهت مشارکت دادن افراد خیره در کارهای تجاری وزارت بازرگانی بوجود آورده است."

بنابراین در عرصه اقتصاد حادثه مهم تازه ای رخ نفعوده است. فقط به حرفهای کهنه صراحت بخشیده شده است. اما اگر بتوانیم بطور انتزاعی و فقط بطور انتزاعی، حوزههای اقتصاد و سیاست را زهم تکلیک کنیم، جایگاه سخنان اخیر خمینی در عرصه سیاست کجاست؟ برای پاسخ دادن به این سؤال باید کمی به عقب برگردیم. بخشهایی که حول ققیسه رای اعتقاد به موسوی و کابینه او در گرفت، به خوبی حدت و شدت بحران و اختلاف در درون حاکمیت را نشان داد و زنگهای خطر در درجهان را نیز که برای داشتن بازار تابلو فقط با برق فشار قوی کار می کنند، به صدا در آورد. سخنرانی ۱۹ مرداد رهبری جمهوری اسلامی همگانه گونه که بحث بر روی کابینه موسوی در مجلس نشان داد - نتوانست آتش را خاموش کند. او در این سخنرانی بر نقطه اشتراک جناحهای رقیب که همانا شرکت در يك حکومت بی آیند ماست، تاکید کرد و گفت خللی وارد نیارید که "امروز اگر خللی وارد بشود در این جمهوری اسلامی، نمی دانید که با ما چه خواهند کرد!"

اما حفظ وحدت تنها با دادن امتیازهای مکفی امکان پذیر است نه با دست گذاشتن بر روی نقطه اشتراک شرکت در يك حکومت بی آیند، نه با تاکید بر این که حیات و معات همه جناحها به یکدیگر وابسته است، نه با دعوت به بخشهای طلبگی و مدرسی پشت پرده و بالاخره از همه مهمتر نه با ترساندن از حریق خشم مردم که حتی هم آن در منطقه بیلاقی، جماران نیز عرق بر پیشانی می آورد. راست افراطیسی درون حکومت که در سخنرانی ۱۹ مرداد مخاطب قرار گرفت اکنون چنان قدر تمند است که به هیچ وجه به موضعی که در حال حاضر در رید اختیار دارد، بسنده نمی کند. این جناح که با رزترین مظهر پیوند "بازار" و "حوزه است"، در جریان بخشهای رای اعتقاد نشان داد دیگر باکی از آن ندارد که به قول سرمقاله نهوس اطلاعات ۱۴ و ۱۵ مرداد علناً با ولی ققیه نیز در بیفتد.

آتش حرص و آاز بازاری و خود رایی و قدرت طلبی آخوندی را مگر می توان تنها با دعوت به اتحاد و بحثهای طلبگی خاموش ساخت؟ ولی ققیه نیز بعد از جریان رای اعتقاد دیگر کاملاً به این نکته وقوف یافت. می بایست امتیاز داد. امتیازی که هم بازار را راضی کند و هم جسره را. هم صاحبان سرمایه شرعی را خشنود کند و هم نگهبانان شرع سرمایه را. ولی ققیه مدتها بود کوشش می کرد دل هر دو طرف را به

دست آورد و تا حدی موفق نیز شده بود. اما راست افراطی می خواست هیچ کس در حاکمیت از بابت موضع جماران متوجه باقی نماند. آخر سرمایه عاقبت اندیش است و حساب "ثانیاً" و "ثالثاً" را هم می کند. این بود که ندا داد شد: "بازار را شريك کنید در کارها، بازار را کنار نگذارید... کارهایی که از بازار (بر) می آید، جلوش را نگیرید یعنی مشروع هم نیست، آزادی مردم (۱) نباید سلب شود. مردم صحیح و مردم متدین و مردم کاردان زیاد هست در بازار... عده این است که برای این مستضعفینی (۱) که به شما خدمت کردند خدمت نکنید و خدمت هم به این است که اینها را، بازارها را در کار وارد کنید، شريك کنید!" (اطلاعات ۵ شهریور)

فاتحه اصل ۴۴ مبنی بر دولتی کردن تجارت خارجی هم بالکل خوانده شد و دست به دست گشتن لایحه مربوطه بین مجلس و شورای نگهبان خاتمه یافت. شورای نگهبان پسرانده نهایی شد. حکم شرعی داده شد که "دولت باید نظارت بکند، مثلاً در کالاهایی که می خواهند از خارج بیاورند، مردم را (بخوان تجار "محترم" را) آزاد بگذارد" (همانجا)

سناریو از قبل نوشته شده بود. بلافاصله نخست وزیر بخشنامه صادر کرد. و به این فتاوها جامه اجرا پوشاند. به دنبال آن وزیر بازرگانی و یکی از فقهای شورای نگهبان و خود موسوی مصاحبه راه انداختند. تایید و تکریمها و چاپلوسیهای همیشگی نیز تکرار شد. وظایف چنین بر آمد که همه خوشحال و راضی گشته اند.

بنابر این يك جنبه مهم فتاوی ۶ شهریور تعدیل بخشیدن به اختلافات درون حاکمیت بود و امتیاز دادن به جناحی که داشت شمشر را از روی بست جنبه دیگر قضیه خارج ساختن دستگا های اجرایی از يك بن بست و برافکندن پرده های شرم و حیای بود. ولی این جنبهها در برابر يك عامل عده فرسج مساله را تشکیل می دهند. اصل مساله کجاست؟ اصل مساله را باید در ورطه عمیقی که بین مردم و حاکمیت ایجاد شده است، جستجو کرد. بحران درونی حاکمیت فقط در رابطه با نارضایتی وسیع و حرکت دامنگستر مردم معنی دارد. بهبود نیست که در بخشهای مهمی از سخنرانیهای ۱۹ مرداد و ۶ شهریور ولی ققیه، تلویحاً و یا صریحاً به این مساله اشسار و می شود.

اما کلید حل بحران در نزد کیست؟ هر کسی از ظن خود به این پرسش اساسی، پاسخ می گوید. بین طبقاتی سران حاکمیت ذهن آنان را معلوف به بازار می سازد. این سخن کلی ناظر به کلیت روند است و نمی تواند روشن سازد چرا بعد از يك فاصله کوتاه از قضیه رای اعتقاد، مشارکت "بازار" واجب شرعی اعلام شد. برای برخورد مشخص با مساله باید باز کمی به عقب برگردیم. در جریان "رای اعتقاد"، ققیه در صفحه ۴

اعلامیه مشترك کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

"هفته جنگ" را به هفته مبارزه در راه صلح تبدیل کنیم!

هم میهنان عزیز!

روز ۳۱ شهریور جنگ خانمانسوز ایران و عراق وارد پنجمین سال خود می شود. این جنگی است که ادامه آن به سود برانگیزنده اصلی آن، یعنی امپریالیسم آمریکا است.

جنگ که با هدف عقیم گردانیدن تداوم انقلاب مردمی بهمن ۵۷ از سوی امپریالیسم آمریکا به مردم میهن ما تحمیل شد، در ادامه خود به اهرم و دستاویز پیشبرد توطئه‌ها و نقشه‌های کوتاه مدت و دراز مدت امپریالیستی در منطقه تبدیل گردیده است. امپریالیسم آمریکا به بهانه واهی تهدید "منافع حیاتی" با تشدید بی سابقه حضور نظامی خود در خلیج فارس و اقیانوس هند نه تنها استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران، بلکه استقلال دیگر خلق‌ها و کشورهای منطقه و نیز صلح و امنیت جهانی را در معرض خطر واقعی قرار داده است.

این جنگ هستی سوز قربانی‌ها، فجایح و بلایی بی شماری را بوجود آورده است. شمار کشته‌شدگان هر دو سوی آتش جنگ به ۳۰۰ هزار تن و شمار معلولین به ۱/۵ میلیون نفر می‌رسد. شمار ایرانی‌ها و عراقی‌هایی که از خانه و کاشانه خود در نوار مرزی آواره شده‌اند و در پشت جبهه در شرایط دشوار و توانفرسایی زیست می‌کنند از رقم سه میلیون تن می‌گذرد و میزان خسارات مالی به صد ها میلیارد دلار بالغ می‌شود.

جنگ، یخ‌تک نگرانی و دل‌پره فراگیری را به جان مردم انداخته است. در بین زحمتکشان کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که به سوگواری عزیزی زانوی غم در بر نگرفته باشد. صد ها هزار مادر و پدر که جوان نرسی در جبهه سوزان جنگ دارند با دل‌پره مرگ بی‌په‌په فرزند دل‌بند خویش، دست به گریبانند.

جنگ موجب درغلطیدن اقتصاد کشور به کام بحران ورشکستگی شده است. وابستگی صنعتی به جهان سرمایه‌داری تشدید شده و کشاورزی با بحران عمیقی روبرو است. تورم و گرانی سرسام آور و بیکاری و مهاجرت فزاینده روستاییان از هستی ساقط شده به شهرها بی آمد ناگزیر ادامه جنگ است. کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان زیر فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ دست و پا می‌زنند.

ادامه جنگ شرایط قدرت‌گیری و تسلط نیروهای ارتجاعی راستگرا، حامیان منافع غارتگران کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان را در حاکمیت جمهوری اسلامی فراهم آورده است. جنگ عامل عمده چرخش حکام جمهوری اسلامی به راست و تشدید رژیم ترور و اختناق در کشور است. به بهانه ادامه جنگ، خواسته‌ها و اعتراضات توده‌های مردم و نیروهای انقلابی را با اشکال خشن و غیر انسانی در نطقه خفه می‌کنند. کارگرا

که در ارتباط با شرایط سخت زندگی خود دست به اعتراض و اعتصاب می‌زنند بازداشت و زندانی می‌شوند. دهقانان معترض به بازگشت بزرگ مالکان و بازستاندن زمین‌های واگذار شده سرکوب می‌شوند. خلق کرد که خواستار پایان بخشیدن به محرومیت‌های تاریخی و احراز حق مشروع خود مختاری در چارچوب حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور است، به خاک و خون کشیده می‌شود.

ادامه جنگ بدون خرید جنگ افزارهای پیشرفته مقدور نیست. بر این اساس، رژیم با فروش ارزان نفت، به سوی انحصارات امپریالیستی روی آورده و به مشتری سود رسان سوداگران مرگ تبدیل شده است. تشدید روند وابستگی نظامی به امپریالیسم و بازسازی تاسیسات صنعتی صدمه دیده و ویران شده، شرایط سازیر شدن سودهای کلان به حلقوم سیری ناپذیر انحصارات صنعتی و نظامی را فراهم می‌کند. نیاز رژیم برای خرید قطعات یدکی جهت جنگ افزارهای آمریکایی، محرره کارسازی در کسوف امپریالیسم نهاده تا قراردادهای اسارت بیار و نابرابری در زمینه‌های گوناگون نظامی و اقتصادی به کشور ما تحمیل کند.

سران جمهوری اسلامی که به دنبال جنایات یابویی و تفرجام از پشتیبانی مادی و معنوی مردم محروم ماندند و به علت عدم آمادگی برای پذیرش صلح، جنگ را به بن بست نظامی سیاسی و اجتماعی کشیدند، به این نتیجه رسیدند که پیروزی در میدان جنگ، لزوماً بسا حمایت امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به دست می‌آید. از این رو، مدت‌هاست که سیاست خارجی هیئت حاکمه با روند بازسازی وابستگی اقتصادی به امپریالیسم و همسویی و همسانی سیاسی با بریاکنندگان و آتش‌بیاران اصلی جنگ آمیخته است.

پس از گذشت چهار سال از آغاز جنگ، در شرایطی که ادامه آن به وسیله شوی برای اجرای اهداف و مطامع ماجراجویانه و بلند پروازانه "صدم انقلاب" سردمداران رژیم تبدیل شده است، توده‌های زحمتکش دیگر حاضر به ادامه این جنگ نیستند. موج ناخشنودی و اعتراض توده‌های وسیع مردم نسبت به سیاست ادامه جنگ هر روز به اشکال گوناگون بالا می‌گیرد. اوج گیری روحیه ضد جنگ در میان همه اقشار و طبقات زحمتکش و حتی رده‌های گوناگون نظامی و بسیج، بسا سیاست سرکوب آشکار و پراکندن بذر رعب و وحشت رها رفته است. کار به جایی رسیده که مقامات دولتی، از جمله رئیس جمهوری، هرگونه "سیاست بازی" به معنی بحث و گفتگو و تفکر در باره علل و درنما و فرجام جنگ را ممنوع اعلام کرده‌اند. رسانه‌های گروهی زیر ساطع هر

شد یدترین سانسور قرار گرفته‌اند تا مبادا گوشای از خواسته‌های صلح طلبانه توده مردم بازتاب یابد. ولی با وجود این، رژیم موفق به فرونشاندن روحیه صلح خواهی مردم نشده و نخواهد شد. روزی نیست که جوانان از جبهه‌ها نگرینند، روزی نیست که در مراسم سوگواری جوانان و کودکانی که از کارگاهها و مدارس و مزارع به میدانهای مین کشیده شده‌اند، شعارهای ضد جنگ داده نشود، روزی نیست که فریاد اعتراض مادران و پیسدران داغ دیده شنیده نشود، روزی نیست که کارگران و کارمندان به کسریک روز از حقوق ناچیز خود برای جنگ اعتراض نکنند، مردم از کمک و رفتن به جبهه خود داری می‌کنند.

در شرایط کنونی جنگ به عامل کارآمد و مؤثر پیاده کردن اهداف و پسرکرایانه و ضد ملی رژیم تبدیل شده است. ادامه جنگ نتیجه‌ای جز ژرفش و گسترش سیاست ضد دمکراتیک و استقلال بریادده، جز تشدید روند بحران اجتماعی و اقتصادی و تحکیم وابستگی نظامی و اقتصادی به امپریالیسم، جز استوار شدن مواضع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و دیگر یغماگران داخلی و خارجی، جز غارت دسترنج ناچیز کارگران و دهقانان و کوشش دم‌توب کردن فرزندان توده‌های محروم ندارد.

بی‌آمدهای فاجعه بار این جنگ نه تنها دامنگیر نسل امروز، بلکه نسلهای آینده ایران نیز هست. سیاست "اقتصاد جنگی" و غیره سرپای هستی جامعه را در خدمت اهداف توسعه طلبانه و ماجراجویانه حکام ارتجاعی گذاشته است.

هم میهنان عزیز!

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، از همان آغاز جنگ موضوع اصولی، قاطع و عمیقاً مردمی و ضد امپریالیستی نسبت به جنگ داشته‌اند و در حال حاضر نیز دارند. توده‌های و فدائیان برای انجام وظیفه ملی و میهنی خویش هرمانه د شاد و ش مردم در سنگرهای خونین و مقدم جبهه علیه اشغالگران رژیمند و از هیچ گونه ایشمارو قداکاری فروگذار نکردند. هیچ کس نمی‌تواند حواساً فریونی‌ها و نقش تعیین کننده افسران میهن پرست همانند افضلی‌ها، کبیری‌ها و عطاریان‌ها را در روزهای جنگ که در خاک میهن ما جریان داشت، نادیده انگارد، فاتحان میدانهای جنگ که به دست حکام ارتجاعی به جرم میهن پرستی به جوخه‌های اعدام سپرده شدند.

با درهم شکستن نقشه مهاجمین، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایسران (اکثريت) به حق خواستار پایان جنگ شدند. شعار پایان جنگ که به گونای ژرف با مناقع و بقیه در صفحه ۵

جمهوری اسلامی، شریک اجرای سیاست آمریکایی کارشکنی در حل مسأله آرمیز افغانستان

بقیه از صفحه اول

کوششی درینغ نخواهد ورزید. به این منظور رهبران افغانستان پیشنهادها و ابتکارات متعددی ارائه کرده اند. اما همه این پیشنهادها و پاکستان سازنده، از سوی حکام ارتجاعی ایران و پاکستان رد شده است. ضیاء الحق دیکتاتور نظامی پاکستان و روحانیون مستبدی که در تهران بر مسند قدرت تکیه زده اند، از هر گونه مذاکره با دولت قانونی و مردمی افغانستان ظفره رفته اند. آنها که سود به وقیحانه ترین شکل، در امور داخلی افغانستان مداخله می کنند، کمک محدود نظامی اتحاد شوروی به افغانستان به درخواست دولت این کشور را بهانه قرار داده و از هیچ کارشکنی در تلاشهای محافل بین المللی بمنظور دست یابی بیک راه حل مسالمت آمیز، فریاد نمی زنند. از جمله به ما موریت "دیه گو کورد ووز" فرستاده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد برای مسئله افغانستان، از هنگام آغاز در سال ۱۹۸۲، همواره با موضع مخرب دولت پاکستان و به ویژه جمهوری اسلامی روبرو بوده است. امپریالیسم آمریکا نیز که با حل و فصل "مسئله افغانستان" کانون مهمی را برای تشنج آفرینی و براه انداختن "جنگ صلیبی" علیه سوسیالیسم و جنبشهای رهایی بخش از دست خواند داد، دلتنهای ارتجاعی منطقه و مخصوص پاکستان را تحت فشار قرار می دهد تا از تن دادن به مذاکره و جستجوی یک راه حل صلح آمیز خودداری کنند. البته آمریکا برای وادار کردن حکام جمهوری اسلامی به گرفتن یک موضع صد در صد مطابق میل خود در رابطه با این مسئله نیاز به کوشش گسترده ای، نداشته است. حتی

آن زمان که دعای "ضد امپریالیستی" رهبران جمهوری اسلامی گوش فلک را کر می کرد، آنها فعالانه در جنگ اعلان نشده "سیا" علیه انقلاب افغانستان شرکت می جستند. امروز هم این سیاست ضد ملی و خائنه ادامه دارد. جمهوری اسلامی در قبال میانجی گری سازمان ملل متحد، حتی از غیاب الحق آمریکایی نیز، که عوامل محینی رژیم او را ناچار به نشستن پای میز مذاکره در ژنو کرده است، سیاست کارشکنانه تری دارد. در حالی که اخیرا سومین دور مذاکرات وزیرای ناراجسه افغانستان و پاکستان به میانجی گری "کورد ووز" در ژنو انجام شد، و شاه محمد دست و وزیر امور خارجه افغانستان، آن را بسیار سودمند خواند، وزارت خارجه جمهوری اسلامی، با انتشار بیانیهای، این مذاکرات را مورد حمله قرار داده (اطلاعات ۳ شهریور) روزنامه های جمهوری اسلامی، که یک طولایی در دروغ پرانی در باره به اصطلاح "پیروزی" های نظامی اشرار افغانی دارند، دست به چاپ اعلامیه های تروه های ضد انقلابی افغانی در باره این مذاکرات زدند.

البته جاز و جنجال مرتجعین حاکم در رابطه با مذاکرات پیرامون مسئله افغانستان بیهوده نیست. در صورت به نتیجه رسیدن این مذاکرات، اجرای سیاست صدر و غنم انقلاب که جمهوری اسلامی، دست در دست ارتجاع منطقه و آمریکا، با کینه ای دد منشانه نسبت به انقلاب افغانستان دنبال می کند، با دشواریهای جدی روبرو خواهد شد.

جستجوی کلید

بقیه از صفحه ۲

نمایندگان منسوب به جناح "راست افراطی" در مجلس، در اکثر سخنرانی های خود از نارضایتی مردم دم زدند.

"راست افراطی" کوشید برای گرفتن امتیاز، نارضایتی مردم را، در درون حاکمیت به کوفتای فریب آمیز، باز تولید کند. "راست افراطی" کوشید نارضایتی خود را نارضایتی مردم جابزند و حتی در گروه گرم قضیه رای اعتماد تلاش کرد. بازار را به حرکت در آورد تا حاکمیت کاملاً تحت فشار قرار گیرد. در طیف ارتجاع حاکم رسم بر این است که هر جناحی که می خواهد امتیازاتی به دست آورد خود را نماینده مردم جا بزند. اما مردم راه خود را می روند و اینان کار خود را می کنند.

تأثیر "نارضایتی" مردم را علاوه بر "بازتولید" و فاحش آمیز آن از سوی راست افراطی، به صورت آشکار در سخنرانی ۱۷ شهریور می توان دید. در این سخنرانی به دولت توصیه شد حول "کارکدها" و "دستاورد ها" خود تبلیغات راه بیندازد. "عدالت اسلامی" باید کاملاً مراعات شود. عوام فریبی برای مردم و اجازه شرعی غارت از آن بازار!

از صحن خانه تالابیان از آن من از با م خانه تا به تریا از آن تالابیان سخنرانی ۱۶ شهریور، کام دیگری در جهت باز گذاشتن دست کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان بود. این بار نیز تطهیر فارتگری سرمایه به اسم مردم صورت گرفت. جمهوری اسلامی از این ترفند ها بسیار دارد. در زیر خرقه پشمینه ارتجاع حاکم هنوز زنارهای بسیاری نهفته است. این نیز یک نمونه اش بود، یک نمونه برجسته.

ثبت رسیده و استفاده کننده واقعی تلفن مشخص خواهد شد "اطلاعاتی که جمع آوری می شود" شامل نوع مالکیت، محل نصب، صاحب امتیاز تلفن نشانی دقیق محل نصب، وضعیت محل نصب و غیره می باشد. با مشترکینی که نسبت به ارائه اطلاعات خواسته شده با شرکت مخابرات همکاری نکنند، طبق مقررات رفتار خواهد شد. ارگانهای اطلاعاتی و سرکوبگر رژیم، کنترل ویژه ای را بر روی شبکه تلفنی کشور اعمال می کنند و تا کنون از این طریق توانسته اند ضرباتی را به نیروهای انقلابی وارد سازند. بکارگیری سیستم های مدرن برای ردیابی مکالمات و شماره و آدرس تلفن در یک مدت کوتاه و استفاده از تجربیات دیگر سازمانهای جاسوسی در این زمینه برای ارتجاع حاکم، ارزش خاصی برخوردار است. حال رژیم با اجرای این طرح می خواهد در این زمینه پرونده های اطلاعاتی خویش را تکمیل کند.

رژیم جمهوری اسلامی در بکارگیری شیوه های جاسوسی گوی سبقت را از سلف سرنگون شده خود برده است. اما هیچ یک از این اقدامات نمی تواند رژیم را از یک فتنای ناگزیر، رهایی بخشد.

شتاب رژیم برای سروسامان دادن به وزارتخانه جاسوسی

بقیه از صفحه اول

گشت های علنی و مخفی افزوده می گردد، مردوران بیشتری اجیر می شوند، به انجمن های اسلامی نهاد های "حراست"، امور تربیتی، بسیج، مساجد و ... وظایف جدیدی محول می شود و بالاخره برای همه این کارها بودجه هنگفتی اختصاص می یابد که خرج حفظ پایه های لرزان رژیم دد منشی می گردد که بحران سر تا پای آنرا فسر گرفته و در دل اکثریت قریب به اتفاق آحاد ملت نفرت عمیق و عظیمی را برانگیخته است.

یکی از مهمترین کارکرد های نهاد های جاسوسی رژیم در حال حاضر جمع آوری اطلاعات مختلف است. این کار در پوشش های متنوعی انجام می گیرد و حتی از دفترچه های بسیج اقتصادی نیز برای کسب اطلاعات در مورد اهالی یک محل استفاده می شود.

دیگر همه مردم می دانند که شعبه های

از ساوک جمهوری اسلامی در پستخانه ها و مراکز تلفن مستقر شده است تا مکالمات و مکالمات تلفنی مردم را کنترل کند. در این رابطه آخرین اقدام این شعبه تلاش بر روی ساختن پرونده در مورد تک تک شماره تلفنهایی است که در اختیار مردم است. این تلاش به بهانه تهیه دفترچه های راهنمای تلفن صورت می گیرد. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۴ مرداد می نویسد:

"بر اساس طرح شناسنامه استفاده کنندگان تلفن، کلیه اطلاعات لازم در مورد مشترکین تلفن جمع آوری شده و در یک مجموعه کامل جهت ارائه راهنمایی های لازم ثبت خواهد شد. با استفاده از این طرح ضمن گردآوری اطلاعات لازم و کافی در مورد تمامی استفاده کنندگان تلفن و ارائه اطلاعات صحیح و درست به مردم (۱) در صورت نیاز هر گونه نقل و انتقال تلفن دقیقاً به

هزاران شرکت کننده در جشن روزنامه "لن افالک" (ازگان حزب کمونیست دانمارک)، نمایندگان فدراسیون سراسری کارگران حمل و نقل هندوستان و هنرمندان و دمکراتهای ایتالیایی، سیاست خائنه رژیم ج.ا.مبنی بر تداوم جنگ و سرکوب نیروهای انقلابی را محکوم میکنند

دانمارک

بنایه دعوت حزب کمونیست دانمارک، هواداران حزب توده ایران و سازمان ملای غرقه مشترکی در نهمین جشنواره روزنامه لن افالک (Landogfolk) برپا کردند، این جشنواره که همه ساله در ماه اوت در شهر کپنهاک برگزار می شود، به یکی از جشنهای ملی مردم دانمارک تبدیل شده است و همواره ساله قریب به ۲۰۰ هزار نفر شرکت کننده دارد. امسال نیز در روزهای ۱۸ و ۱۹ اوت این مراسم، باشکوه بی نظیری برگزار شد. غرقه مشترک حزب و سازمان مورد بازدید هیاتهای از جانب غرقه اتحاد شوروی، مجارستان کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک و احزاب برادر دیگر نیز صد ها شرکت کننده در این جشنواره قرار گرفت. بازدید کنندگان غرقه مشترک، با امضای متن درخواست آزادی زندانیان سیاسی و محکومیت کشتار و اختناق سیاه حاکم میهن ما، حمایت خود را از مبارزات انقلابیون و مردم ایران، ابراز داشتند.

۱- اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی فورا متوقف شود و زندانیان سیاسی هر چه زود تر آزاد گردند.
 ۲- جنگ بین ایران و عراق پایان یابد.
 ۳- دادگاههای مخفیانه و فرمایشی اعضا و هواداران حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست متوقف شود.
 ۴- اتمام نیروهای مترقی و صلح دوست سراسر جهان می خواهیم که صدای اعتراض خود را علیه همه جنایات رژیم ایران بلند کنند.
 ۵- ماهم بستگی خود را با حزب توده ایران و فداییان (اکثريت) و دیگر نیروهای پیشرو ایران ابراز داشته و آرزوی کنیم در مبارزه شان برای بهر روزی مردم ایران موفق و پیروز باشند.
 امضا از جانب هیات ریسه

ایتالیا

این فراخوان از جانب هنرمندان و دمکراتهای ایتالیایی در اعتراض به سیاستهای ضد بشری و جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی صادر شده است:
 " رژیم جمهوری اسلامی با توسل به موج جدیدی از اختناق و شکنجه علیه نیروهای دموکرات و با ادامه جنگ غیر قابل قبول ایران و عراق، سیاست اتحاد با امپریالیسم رادیکال می کند.
 ما بر مبنای حقوق بشر، خواستار پایان یافتن اقدامات سرکوبگرانه در ایران و نیز آزادی انقلابیون ایرانی می باشیم.
 در خاتمه درخواست می کنیم به جنگ بی معنی ایران و عراق و کشتار خلق کرد پایان داده شود.
 تاکنون ۱۲ نفر از نقاشان مشهور و مترقی ایتالیا این فراخوان را امضا کرده اند که اسامی آنها چنین است: " پرفسور سگاتو، آلبرتویزی، فرانچسکو کلاسا، تونوفرانگاری، امیلیو باراکو، آلینیو پالما، کارلوزارا، سیلیویولا کازا، فرانچسکو لویچانتی، نادر، پیرو پرین، الیو آرمانو".

ازیک اعلامیه مشترک هواداران حزب و سازمان به زبانهای انگلیسی و دانمارکی نیز تهیه افشای رژیم ج.ا.م اختصاص داشت، پخش شد.
 بعد از اتمام جشن، در روزنامه "لن افالک" و برخی دیگر از روزنامه های دانمارک، عکسهایی از غرقه مشترک حزب و سازمان به چاپ رسید. این روزنامه ها بویژه برای نکته با تحسین نگریسته بودند که غرقه کمونیستهای ایرانی در کنار غرقه حزب کمونیست عراق واقع شده بود و بر این مساله دلالت داشت که مردم و نیروهای انقلابی ایران و عراق باید یکپارچه روند و جنگ ارتجاعی بین دو کشور را محکوم می کنند.

هندوستان

درد و مین کنفرانس سراسری فدراسیون کارگران حمل و نقل هندوستان که از ۱۳ تا ۱۵ ماه اوت، در شهر مومبای برگزار شد قطعنامه زیر در محکومیت رژیم ج.ا.م و پشتیبانی از نیروهای انقلابی ایران، به تصویب رسید:
 " ما شرکت کنندگان درد و مین کنفرانس فدراسیون سراسری کارگران حمل و نقل هندوستان، با زاری، شکنجه و اعدام هزاران نفر از انقلابیون ایران را توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران، محکوم می کنیم.
 رژیم جمهوری اسلامی زندانیان سیاسی را مخفیانه اعدام می کند. این اقدام ضد بشری و وحشیانه از نظر ما محکوم است.
 تداوم جنگ ایران و عراق باعث نابودی اقتصاد و مردم دو کشور و نیز برخلاف منافع خلقهای منطقه است. ما تداوم این جنگ بی معنی را محکوم می کنیم. ما خواهان آنیم که:

اعلامیه مشترک

بقیه از صفحه ۳
 سیاست ارتجاع حاکم در تضاد بود، یکی از عوامل عمده یورش سبانه به حزب توده ایران و سپس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) شد. ولی گذشت زمان و واقعیت سرسخت زندگی حقانیت شعارها و پیشنهادهای ما را ثابت کرد و نشان داد که ادامه جنگ تنها به زیان خلقهای ایران و عراق و به سود امپریالیسم آمریکا است.
 در لحظات حساس و سرنوشت ساز کنونی، جنگ به عنوان عمده ترین عامل تهدید استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی میهن ما به شمار می آید.
 در چنین اوضاع و احوالی است که رژیم هر سال " هفته جنگ" برگزار می کند و با تبلیغات پسر دامنه پیرامون شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" و در پرده نگهداشتن اهداف واقعی خویش از ادامه جنگ به منظور توجیه سیا هکاری های خود استفاده

می کند.
 مبارزه علیه مداخله امپریالیسم و مبارزه علیه نیروهای وابستگرا و آزادی کش حاکم، عمیقاً و ماهیتاً با شعار تودمای " ما صلح می خواهیم و نه جنگ" پیوند دارد. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) همه احزاب و سازمانهای ضدامپریالیست و مترقی، همه نیروها و شخصیتهای ملی و میهن پرست را فرا می خوانند تا یکپارچه و یکصداد، دشمنان خود را سرکوب کنند و همه توان خویش را به کار گیرند تا " هفته جنگ" را به هفته مبارزه در راه صلح و هفته افشاکری اهداف رژیم از ادامه جنگ تبدیل کنند.
 اتحاد و مبارزه یگانه ضامن ناگزیر ساختن هیئت حاکمه به ختم جنگ و پذیرش صلح است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
 کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)



در غرقه مشترک که با آرم نشریات " کار" و " نامه مردم" و شعارها، و پوسترهایی متعدد در محکومیت رژیم ج.ا.م تزئین شده بود، از طریق آرایه کتاب و اعلامیه های افشاکرو نیز توضیحات شفاهی، بازدید کنندگان از وضعیت حاکم بر ایران و مبارزات کمونیستها و نیروهای انقلابی علیه ستم و اختناق که از جانب رژیم مرتجع ج.ا.م بی گرفته می شود، بیشتر مطلع شدند. استقبال بازدید کنندگان از این افشاکرهای و همبستگی پر شور آنها بسیار چشمگیر بود. در جریان جشن تعداد ۴۰۰۰ نسخه

برگی دیگر برد فتر جنایات ارتجاع افروخته شد

سرکوب خونین اعتصاب کارگران "کانادادرای"



اعتصاب کارگران قهرمان "کانادادرای" به خون کشیده شد. این بار اول نیست که رژیم با سلاح آتشین در برابر زحمتمکشان قرامی گیرد. خیانت به آرمانهای انقلاب الزاماً رو در رویی آشکار با خلق رابه دنبال می آورد و خائنین در بیخورد با مقاومت زحمتمکشان کینه حیوانی نشان نسبت به خلق و انقلاب را با آتش سلاح بسروز می دهند.

این بار نیز چنین شد. تا کارگران "کانادادرای" که همچون بقیه زحمتمکشان، به تجربه دروغ بودن وعده ها و حرفهای رژیم و مستولان ریزو درشت آرزو یافته اند، با دروغ فریفته نشوند و برخواسته های خود پافشاری کردند، پاسداران ارتجاع همسوی آنها آتش گشودند. ماجرا از این قرار است:

کارخانه "کانادادرای" متعلق به شرکت "ساسان" است که زیر نظر بنیاد مستضعفان اداره می شود. گروه صنایع غذایی بنیاد شامل حد و ۲۶ کارخانه است که سرپرستی آن برعهده شخصی به نام قاعدی گذاشته شده است. قاعدی همچون دیگر سرپرستان کارخانه های بنیاد که عدالت از اعضای حزب جمهوری اسلامی هستند، عصری است مرتجع و به شدت کارگرسنیز و بر اساس همین بینش است که فردی چون خود دراد رسمت مدیرعامل شرکت ساسان و بقیه کارخانه های گروه صنایع غذایی بنیاد گذاشته است. در طبقه سوم ساختمان بنیاد واقع در بولو ارکشا و زردادستانی این نهاد مستقر شده است که وظیفه اصلی آن سرکوب حرکات کارگری است.

شرکت ساسان و شعبات آن حد و ۵۰۰ کارگرو کارمند دارد. کارخانه اصلی این شرکت در کیلومتر ۵ جاده کرج واقع است. در حال حاضر از شعبه دیگر این شرکت به عنوان ملاکس تو ریح استفاده می شود. کارگران شرکت با کویچترین بهانه های مورد آزار و اذیت قرار می گیرند، مثلاً اگر حتی شیشه نوشابه در مغازه شکستگی پیدا کند، به پای آنها نوشته می شود. در ۲۸ تیرماه کارگران کارخانه "کانادادرای" در اعتراض به اخلاقیهای مدیریت در زمینهای جاری طرح طبقه بندی مشاغل و نیز برای دریافت حقوق بهره وری، دست از کار کشیدند و در صحن کارخانه جمع شدند. ۵۰۰ زومعه اعتصاب از چند روز قبل در کارخانه پیچیده بودند در حین تجمع کارگران، رانندگان بخش تو ریح شرکت نیز کامیونهای خود دراد رصف طویل و چشمگیری در جلوی کارخانه پارک کردند. خبر اعتصاب به فوریت در همه جا و به ویژه در کارخانه های مجاور

"کانادادرای" در جاده کرج، پخش شد. کارگران اعتصابی در حین تجمع در صحن کارخانه شعار مرگ برمدیرعامل دادند و خواهان مذاکره با او گردیدند. مدیرعامل با لاشر به با ترس و لرزد رجمع آنها حضور یافت و خواستار مذاکره با نمایندگان کارگران شد. کارگران پاسخ دادند: "سال گذشته نمایندگان ما رانزدانی کردید. ما به نیرنگ شعایی برده ایم و اکنون می خواهیم همگی با شما مذاکره کنیم." قاطعیت کارگران، مدیرعامل و اعوان و انصار او را راجاید ربرد. آنها قول دادند به خواسته های کارگران رسیدگی کنند و تقاضای مهلت کردند. این مهلت داده شد ولی اعتراض به صورت کم کاری ادامه یافت.

کارگران بعد از چند روز، بی بردن وعده و وعید مسئولین تنها برای کشتن وقت است. از همین رومجددا در روز دو مهرداد ماه تولید رابه طور کامل خواباندند. در صحن کارخانه جمع شدند و این بار علاوه بر طرح خواسته های قبلی خواهان اخراج مدیرعامل و چند تن دیگر از مسئولین ضد کارگرا کارخانه نیز گردیدند. به دنبال تجمع کارگران، هر یک از کارکنان سرکوبگر نیروهای رابه سمت کارخانه گسیل داشت. هراس مسئولین از تجمع پرخروش کارگران به حدی بود که به یک ارگان سرکوب بسند نه نکردند. پاسداران، کمیته بنیاد مستضعفان، شهرنایی و همعتر از همه در خیمان دادستانی اوین به سرپرستی معاون لاجوردی جلاد همگی به کارخانه سرازیر شدند تا کارگران زهرچشم بگیرند. رهبری عملیات برعهده معاون لاجوردی بود.

او کوشید با حرفهای خود کارگران را رامعوب کند ولی نتیجه ای نگرفت. کارگران خطاب به او گفتند: "ما کارگران انقلاب کردیم، اما لاجوردی به مقام منصب رسید و حالا تا کسی حق خود را می خواهد کمیته اشرار می فرستد تا خون راه بیندازد." صحبت های یک آخوند مزدور که حق بهره وری را شایسته "خسران" می دانست نیز راه به جایی نبرد. و وقتی عوامفریبی و ازعاب موثر واقع نشد، معاون لاجوردی که لحظه به لحظه با مقامات بالا در تماس بود فرمان حله راصادر کرد.

ابتدا برای متفرق ساختن کارگران گاز اشک آور پرتاب شد و بعد سلاحهای آتشین به کار افتاد. پاسداران مستقیماً به سمت کارگران نشانه روی کرده و به روی آنها رگبار بستند. ارانجایی که تعداد زیادی از کارگران دستگیر شده اند و حتی مجروحین را مستقیماً از بیمارستان روانه زندان کرده اند، از تعداد دقیق زخمی ها و کشته شده ها اطلاع دقیقی در دست نیست.

گزارشهای اولیه حاکی از آن است که ۴۶ نفر زخمی و ۴ نفر کشته شده اند. کینه پاسداران به کارگران حتی در بیمارستان نیز تجلی داشت. کارگرمجروحی که بر روی تخت بیمارستان شماره ۲ جاد مقدم کرج نیز به افشاکاری های خود ادامه می داد، مورد یورش پاسداران واقع شد. هتفر کمیته جی به شدت و ارامضروب ساختند و در حالی که غرق در خون بود در جلوی چشمان بهت زده پزشکان و پرستاران در حالی که پای او را گرفته بودند، وی رابه روی زمین کشیده و تادم در بیمارستان بردند و در ماشین سپاه انداختند.

مبارزه دلیرانه کارگران کارخانه "کانادادرای" و جنایت هولناک مزدوران رژیم انعکاس وسیعی در میان بقیه کارگران و همه مردم یافته است. کارگران به حق این جنایت را بی سرکوب کارگران کارخانه جهان جیت کرب در زمان شاه معدوم، مقایسه می کنند. به دنبال سرکوب خونین کارگران "کانادادرای" موجی از ابراز همبستگی در میان کارگران کارخانه های مختلف بویره کارخانه های واقع در جاده کرج به راه افتاد. فضای برخی از کارخانه های مجاور از جمله "شیشه و گاز" کاملاً متشنج شد. کارگران می گفتند: "برای جمهوری اسلامی فقط همین مانده بود که به روی رقای ما آتش بکشاید. خوب دستشان را رو کردند. از حالا باید انتظار جنایاتی بدتر از زمان شاه زاده داشته باشیم."

بلافاصله بعد از به خون کشیده شدن اعتصاب قهرمانانه کارگران "کانادادرای" اعلامیه ریزاروسی بخش مربوطه سازمان ما انتشار یافت:

سرکوب خونین کارگران مبارز کارخانه ساسان، بار دیگر برده از جبهه حاکمیت کارگرسنیز جمهوری اسلامی بر می دارد

هم میهنان زحمتمکش! در حالیکه حکومت جمهوری اسلامی راه رابرای زباند و زی سرمایم داران و فتو دالها باز می کند، در حالیکه تجار بزرگ بازار به همت حامیان حکومتی خود خون مردم زحمتمکش را می مکند، در حالیکه جنگ این غریب خون آشام، جان کارگران و زحمتمکشان و جوانان آنها را نشانه می گیرد، در حالیکه گرانی برای مردم غیر قابل تحمل گشته و چون دشته به سینّه زحمتمکشان فرو می رود، در حالیکه بیکاری و اخراج حکم مرگ برای زحمتمکشان را پدید آورده است، در حالیکه پایمال کردن حقوق فردی و اجتماعی امرعادی روزمره حاکمیت گشته رژیم تلاش دارد بازو رسنیزه و نیرنگ حقوق کارگران و زحمتمکشان را پایمال کند. حکومت بجای بقیه در صفحه ۷

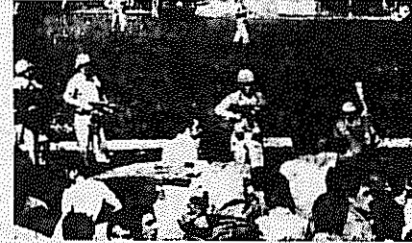
۱۷ شهریور، روزی که پایداری خلق، مهرنگ ابدی بر رژیم ستمشاهی زد



طلو له رفتند تا میهنشان روی استوار و عدالت اجتماعی را به خود ببینند. کام جمهوری اسلامی سیاستهای ضد ملی، آزادی ستیز سرکوب گرانه خود، در راه مردم تحصیل کرده و حاکمیت همان طبقات استثمارگری را که رژیم شاه مدافع آنها بود، استقامتی نداشتند.

شش سال پس از جمع خونین، یادآوری آن رویداد و بزرگداشت آن تنها به تجدید عهد در مبارزه با ظواهر اهداف انقلابی ای که پایمال دیکتاتوری جدید شده است، محدود نمی گردد. گرامیداشت ۱۷ شهریور، از آن جهت نیز خایه از اهمیت است که فراموش نکنیم شاه و شاهپرستان در آن روز با مردم چه کردند. امروز، سیاهکاریهای حکومت روحانیون به بقایای رژیم ستم شاهی امکان و فرصت داده است تا با قاجار تمام، برای بازگشت به قدرت تبلیغ کنند. آنها که اینک عوامفریبانه دم از آزادیخواهی و دمکراسی می زنند، همانهایی هستند که برای کشتن آزادی، در ۱۷ شهریور ۱۷ شهریورها، دستان خود را تا مرقع به خون مردم آلوده کردند. نباید گذاشت جنایات ارتجاع حاکم، که در بسیاری ابعاد در تاریخ کشور ما کم نظیر است، از سوی قطب دیگر ارتجاع بقایب نظیری بروی دستان بقایای شاه تبدیل شود. یاد آور ۱۷ شهریور، در خدمت این هدف است. ۱۷ شهریور، داغ ننگ ابدی ای است که خلق بر چهره رژیم سلطنتی زده است. این مهر ننگ، با هیچ چیز پاک نمی شود.

جنبش، در ۱۷ شهریور، سوله تفنگ برخی از سربازان گسیل شده برای کشتار مردم، برگشت و به جای صف تظاهرات، دهان افسران مزدوری را که فرمان "آتش" می دادند نشانه رفت. و این، آغاز شکاف عمیقی بود در ارتش شاه. شکافی که نقش عمده ای در تسریع سقوط دیکتاتور داشت. اینکه حماسه پایداری خلق در ۱۷ شهریور، و حماسه های پس از آن در ۱۳ آبان، ۸ بهمن، و بالاخره ۲۱ و ۲۲ بهمن، هم اکنون رژیم سی رابه جای رژیم ستم شاهی نشانده است که پس از گذشت شش سال، به همه آن شعارهایی که با خون به دیوارها نگاشته شده پشت کرده، ذره ای از عظمت و شکوه آن پایداریها نمی گاهد. مرتجعینی که اینک بر مسند قدرت تکیه زده اند، میوه چینان انقلابند نه صاحبان آن. ۱۷ شهریور و روزهای نظیر آن، همانقدر که مهرنگ ابدی بر حسین رژیم سلطنتی است، به گونه ای دیگر بازگو کننده عبق جنایتی که سران حکومت برخاسته از انقلاب، در حق آنهمه خونهای ریخته شده، و گلهای پرپر شده رواداشتند، نیز هست. در حالی که توده های مردم، در ۱۷ شهریور، جلوی



سلطنت طلبانی
که اینک عوامفریبانه با استفاده از جنایات
حکام جمهوری اسلامی، دم از آزادیخواهی
و دمکراسی می زنند همانهایی هستند که
برای کشتن آزادی، در ۱۷ شهریور و ۱۷ شهریورها،
دستان خود را تا مرقع به خون مردم آلوده کردند

به میهن می شود (بخوان دعوت به چپاول مردم) در همان حال کارگران و زحمتکشان مبارز، این ستونهای واقعی انقلاب، به گلوله بسته شده و به بند کشیده می شوند. همبختان زحمتکش! به دنبال مبارزه کارگران شرکت ساسان با خطر اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل و بی پاسخ ماندن این خواسته از طرف مدیریت، کارگران ساسان در روز سه شنبه ۱۳/۵/۶۳ به عنوان اعتراض دست به اعتصاب می زنند تا بدین وسیله صدای حق طلبانه خود را به گوش مسئولین حکومتی برسانند. به امید اینکه شاید مسئولین گوشه ای برای شنیدن داشته و به این خواسته آنها پاسخ مثبت دهند. اما حکومت بمانند رفتن و حشیانه خود در مورد اعتراض زحمتکشان

شش سال از ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، "جمعه سیاه"، "جمعه خونین"، "روز ننگ شاه" گذشت.

در تاریخ بسیاری از انقلابات، مقطعی وجود دارد که رژیم سرکوبگر حاکم، با درخت خود دیدن تمامی موجودیت خود، همه پرده های ریا و عوامفریبی را کنار می زند، و با قهر ضد انقلابی تمام عیار، به مصاف اراده مردم می رود. بدون تردید، این مقطع، در انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران، ۱۷ شهریور است.

"جمعه خونین" افشاگر همه دروغ پردازیهای شاه و عواملش درباره اصطلاح "فضای باز سیاسی"، "آشتی ملی" و... بود. در این روز، دیکتاتور که می دید ژستهای عوامفریبانه ای از قبیل انحلال حزب "فراگیر"، بازگرداندن تاریخ هجری، دادن علم "مبارزه با فساد" به دست شریف امامی فاسد و چشمک زدن به "آیات عظام" در برابر عمق و وسعت جنبش رنگ می یابد، ماشین سرکوب خود را با تمام قوا به کار انداخت تا انقلاب مردم را در خون خفه کند. نظرموافق دولت آمریکا با این جنایت، درست در آستانه ۱۷ شهریور، از طریق زاهدی سفیر شاه در واشنگتن که به تهران آمده بود، به اطلاع وی رسید. این، یک روی سکه و یک جنبه از رویداد تاریخی ۱۷ شهریور بود.

اماری دیگر سکه، و جنبه حساسی این رویداد، پایداری عظیم خلق در برابر دیکتاتور، تا دندان مسلح است. بارزترین نمادهای ایثار و شجاعت توده هادر جریان انقلاب، همان سینه های سپر شده در برابر گلوله های آتشین مزدوران و مشتهای گره کرده در مقابل صف مسلسل به دستان اجیر شده است. خلق، در جمعه خونین برآستی نشان داد که "توپ، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد". بازنده اصلی میدان نبرد در ۱۷ شهریور، شاه، و پیروزی، از آن انقلاب بود. برای نخستین بار در جریان

افسریه و کارگران مبارز دخیانیت، این بار هم به جای پاسخ گویی به این ابتدایی ترین خواسته کارگران، آنها را به رگبارمی بندند که با کمال تأسف، در این حله ناجوانمردانه تعدادی از کارگران مبارز کشته و زخمی می شوند و تعدادی هم به بند کشیده می شود. کارگران و زحمتکشان مبارز! امروز وظیفه تمام نیروهای انقلابی و کارگران و زحمتکشان شریف و مبارز ایران است تا ضمن حمایت یکپارچه خود از خواسته های کارگران ساسان، یک صدا سرکوب خونین کارگران را افشا و محکوم کنند. درود بر کارگران مبارز شرکت ساسان! پیروز باد اتحاد کارگران و زحمتکشان ایران! مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا!

سرکوب ••• بقیه از صفحه ۶
یا سخگویی به ابتدایی ترین خواسته های کارگران و زحمتکشان با کشتار و دستگیری و اخراج و شلاق و تعزیر به آنها پاسخ می گوید. برای حکومت جز این هم راهی نیست. یا بایستد طرفدار سرمایه داران و قوودالها باشد یا حامی مستضعفان. یا باید شتابان دست به سوی امپریالیسم و سرمایه داران و تجار بزرگ بازار دراز کند. یا با زوان مردم شریف و مبارز راه مبارزه با امپریالیسم و حامیان او بشمارد. دیگر هیچیک از مردم هم از و شریف به این سخن ریاکارانه و پیوچ حکومت که گویایمی توان هم طرفدار سرمایه داران بزرگ و هم طرفدار کارگران و زحمتکشان، باور ندارند. مردم به عینه می بینند در حالیکه سازمان سرمایه داران بزرگ و قوودالهای فراری دعوت

در حاشیه



از این پس در مباحث اقتصادی باید به اندازه گلیم هرکس دراز شود

" در صحنه اقتصادی کشور، صرف بندی صورت دیگری دارد که حالت تقابل حق و باطل را کمتر تداعی می کند. الان دیگر در صحنه اقتصادی از مخالفین سابق خبری نیست. ... ظرافت دیگر مباحث اقتصادی بخاطر تاثیر احکام شرعی در آنهاست. ... این شاید یکی از مواردی باشد که ورود به بحثهای اقتصادی را حساستر از بحثهای سیاسی و اجتماعی مینماید. از این پس هرکسی باستی پاراندازه گلیمش دراز و با اندازه دانسته های خود قضاوت کند و در غیر این صورت نه تنها خود به بیراهه میرود، بلکه دیگران را نیز گمراه می کند. "

(جمهوری اسلامی - ۴ شهریور)

"بنابر این مدارس آرامنه تعطیل می شود"

یک "مقام آگاه" در وزارت آموزش و پرورش: " اقلیت ارمنی کتاب تعلیمات دینی به زبان فارسی تدوین کتاب دینی بزبان فارسی و امتحان بزبان فارسی را امسال نپذیرفتند و اعلام کردند که این کار مغایر با مسائل مذهبی آنهاست و بسه

حرکاتی دست زدند که ناچار شدیم تعدادی از مدارس آرامنه را تعطیل کنیم. ... آنها می گویند که این سئوالات خلاف مذهب و مکتب ماست. ... بنا بر این نه تنها امتحان دیگری برای این افراد انجام نخواهد شد و نمره صفر برای آنها منظور میشود، بلکه از بازگشایی این قبیل مدارس در سال تحصیلی آینده نیز جلوگیری به عمل خواهد آمد. " (کیهان ۲۵ مرداد)

چهره رژیم در خارج از کشور

عباس فر نمایندہ مجلس:

" در خارج از کشور در ملاقات با افرادی حس میکردم تعجب میکنند که چگونه با آنها حرف میزنیم یا میخندیم و تصور میکردند خشونت جزو ذات ما است. " (کیهان ۲۷ مرداد)

دستاوردهای رژیم برای نسل اول انقلاب

آیتالله جنئی امام جمعه قم:

" نسل اول انقلاب باید انتظار بد نهایی سوراخ سوراخ، محرومیتها، آوارگیها، کمبودها تلخیها و ناکامیها را داشته باشد. " (کیهان ۲۷ مرداد)

"نماز جمعه کربلا به امامت روح خدا، استراتژی انقلاب!"

موسوی نمایندہ مجلس:

" مسأله دوم که بایستی مطرح گردد موضوع جنگ است که مهمترین و عهدترین مسأله است و متأسفانه رفت و آمد هیاتهای سیاسی و بعضی صحبتها و سخنرانیها این موضوع را که سرنوشت

کشور و انقلاب ما بدان بسته است را گاهی از اهمیت خاص خود پائین می آورد و نوعی جو کاژ با صلح طلبی و آرامش جوشی خدای نکرده در مردم ایجاد می کند و من از محضر مقدس حضرت امام و معمم مسئولان محترم و بزرگان مملکت و از شما برادران و خواهران نماینده تقاضا دارم که مسأله جنگ را بصورت جدی مطرح، تا خدای نکرده مروجیه جنگ، و سلحشوری مردم فرکشان کند. من از اینکه مسأله صلح و بعضی رفت و آمدها و اینکه مدتی است که حملای شروع نشده، نگران این هستم که مردم جنگ را از اولویت خاص خود پائین بینمایند، و از اینکه خدای نکرده حالت رقابته و راحت طلبی موجب سست شدن جبههها گردد. وقتی صحبت از صلح و بعضی مطالب میگردد خدای نکرده ممکن است این حالت پیش بیاید که آن جوان رزنده و فداکار ما بگوید خوب حالا که دار صلح میشود و موضوع جنگ کم اهمیت شده چرا بروم ماها در هوای کسرم در سنگرهای داغ جبهه بنایم. ما نیابستی بگذاریم آن شعارهای اولیه و اصلی ما مثل "نماز جمعه کربلا، به امامت روح خدا" لحظهای فراموش شود. شعار نماز در قدس و شعار از کربلا بگذریم و بقدر بروم تنها شعار لفظی نیست، سیاست جنگ ما را بلکه استراتژی انقلاب را تعیین می کند این یک هدف نهایی انسانی و اصلی است. " (کیهان ۲۷ مرداد)

"بیکاران مثل سیل سرازیر می شوند"

صفوی نمایندہ مجلس:

روز بروز وضع بیکاری در استان کربلا بیشتر می شود. هر روز که ما مراجعه میکنیم به حوزه انتخابیه، بیکاران مانند سیل سرازیر می شوند. " (کیهان ۲۷ مرداد)

دست اندرکاران ورزش و حتی خود عوامل رژیم نیز اذعان دارند که این عرصه دچار بحران و رکود و بن بست گشته است. آش به قدری شور شده که نشریات مجاز نیز گاه و بی گاه برایشن نکته اشاره می کنند. کاریکاتورهایی که در این صفحہ ملاحظه می کنید از یک مجله مجاز ورزشی (کیهان ورزشی) انتخاب شده اند. این کاریکاتورها با زبان طنز به حالت احتضار ورزش و تاخت و تاز باند های مرتجع در این عرصه، اشاره دارند.

برای اعزاز تیم کشتی به مسابقات بین المللی یوسکلاوی هرکس زوروش بیشتر بود ودوستی داشت خود را در ترکیب تیم جا داد.

ورزش ایران، بیماری در حال احتضار

محدود و درنید اختیار مرتجعین است؛ فدراسیونها و باشگاههای سرشناس دچار باند بازی و فساد بی نظیری گشته اند، مربیان و مدیران این مجامع همه منصوبین باند مرتجع حاکم بر حیات ورزش کشورند. ورزش برای زنان عملاً ممنوع گشته است و طبیعتاً در این میان از ورزش در بعد توده های و گسترده اش مطلقاً نمی توان سخنی گفت.

سرکوب و اختناق سیاسی تبادرون باشگاهها و مجامع ورزشی کوچک نیز گسترش یافته است. بسیاری از ناهاداران ورزش ایران به دلیل تن ندادن به نیت ارتجاع و بی گرویدن به سازمانهای پیشرو، یا اعدام گشته اند یا در گوشه زندانند و یا از کشور گریخته اند. برخی نیز تاب تحمل فضای حاکم بر این عرصه را نیاورده و ورزش را کنار گذاشته اند. از گانهای سرکوب ارتجاع حتی تیمهای ورزشی محلی را نیز مورد تاخت و تاز قرار داده اند. اجتماع تعدادی جوان و نوجوان در یک زمین خاکی نیز ارتجاع را به وحشت می افکند. دیگر کار به جایی رسیده است که همه



دکتر - خوب گفتین چه تونه؟
ورزش - دکتر چون یک چند وقتیه
احساس میکنم عمرم داره به آخر
میرسه!!

هیچ عرصه ای در حیات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه ما از تعرض مرتجعین حاکم، مصون نمانده است. بحران و فساد بر همه عرصه ها غلبه کرده و جامعه را به صورت بیمباری در حال نزع د ر آورده است. عرصه پر اهمیت ورزش نیز از این قاعده مستثنی نیست. مدهت هاست که ورزشکاران ایرانی یا در بازیهای بین المللی شرکت نمی جویند و یا این که با ناکامی به کشور باز می گردند، امکانات ورزشی فوق العاده



ایشون را بشما معرفی می کنم، باینکه کشتی گیر نیست اما زوروش زیاد است و در ضمن یکی از نزدیکان ماست.

دوره شور اتمام شد!

شوراهای کارگری از دل انقلاب بیرون آمدند. کارگران با ایجاد شوراهای نیروی خود رایگان کردند تا انقلاب را پس دارند و آنرا در سمت دستیابی به عدالت اجتماعی به پیش ببرند. شوراهای برای سازشکاران و دشمنان انقلاب چون خاری در چشم بود. برای تخریب یسنا مسخ آن از هیچ اقدامی فروگذار نکردند. دشمنی آشکارو لگام گسیخته احمد توکلی، وزیر کار جمهوری اسلامی، با شوراهای دیگر تشکل‌های کارگری نمونه ای از آن بود. او با اینکه بسیاری از شوراهای را منحل کرد، بالاخره نتوانست همه آنان را از میان بردارد. شورای کارگران کارخانه جنرال صنعتی از جمله آنها بود. این شوراکه در سال ۵۸ تشکیل شده بود، نمایندگان برگزیده کارگران را در خود داشت و موفق به دستیابی به برخی از مطالبات کارگران شده بود. برخلاف اتهامات و افتراهای دشمنان طبقه کارگر که حضور شوراهای را باعث افت تولید و انحصار می کردند، عملکرد مسئولان این شورای باعث افزایش تولیدات کارخانه نیز شده بود. اما مدیریت کارخانه و مسئولان وزارت کار هیچگاه از دشمنی با شورای کارگران این کارخانه دست نکشیدند. پس از افشا و طرد توکلی نیز فشار بر این شوراهای همچنان ادامه یافت. تا بالاخره چند ماه قبل در اوایل سال گذشته، تحت فشار مداوم و مشترک مدیریت، انجمن اسلامی و نیروهای انتظامی اعضای شوراهای را مجبور به استعفا می شوند. مدیریت راه انتخاب نمایندگان تازه ای را برای شوراهای می کند. به این ترتیب عملاً شوراهای منحل می شود و تازگی برای مبارزه متحد کارگران باقی نماند. اما در پی آن کارگران، یکی از اعضای سابق شوراهای نمایندگی برمی گردند تا برای دستیابی به خواسته هایشان از قبیل حقوق اضافه تولید، عیدی و... با مسئولین کارخانه مذاکره کند. مراتب در طول ماری درج و به اعضای همه کارگران می رسد. آنها با دادن طومار به مدیر کارخانه، او را برای بررسی امر به شرکت در جلسه ای مشترک فرامی خوانند. مدیریت ضمن مخالفت با خواسته های کارگران، از شرکت در جلسه نیز سرباز می زند. کارگران در محوطه کارخانه اجتماع کرده و ضمن دادن شعارهایی، خواسته هایشان را تکرار می کنند. پیگیری آنان، مسئولین کارخانه را به شرکت در جلسه و اداری می کند. در این جلسه کارگران علاوه بر خواسته های مندرج در طومار، تشکیل مجدد شوراهای هم خواستار می شوند. مدیریت بویژه با این خواسته مخالفت میکند و میگوید:

" دوره شور را دیگر تمام شد ". یکی از کارگران پاسخ می دهد: " هر قانونی که شوراهای را منحل کند، قانون سرمایه داران و مدیران است ". پاسخ این کارگر، مورد تأیید دیگر کارگران واقع می شود. با اینکه در این جلسه مسئولان کارخانه به خواسته های کارگران تن نمی دهند

" طرح سالم سازی دریا " تجلی انحطاط فکری و اخلاقی

هموطنان غمزه و گرماده مان در گریز از خفقان حاکم بر مديطه های کسالت بار شهرها و نیز خفقان ناشی از دود و گرد و غبار هزاران هزار به شهرهای کاره دریای خزر هجوم آوردند ولی تابستان امسال نیز - اما شدید تر - در ساحل عرضه تاح و تاز و تجلی اندیشه های منحط و عقب مانده گشت. اندیشه پردازان و سردمداران جمهوری اسلامی همچون فروید بیسم - اما بسا پوشش ضخیم مذهبی - از زاویه جنسی به روان انسانی، جامعه و روابط اجتماعی می نگرند و به تحلیل آن می پردازند. اما از آنجا که اینان بر سریر قدرتند مسئله در حد نظری نمانده و ابعاد عملی بخود میگرد. بنای بسیاری از اقدامات دست اندرکاران ج ۱۰ را همین نگرش منحط تشکیل می دهد.

اینان عملاً و در درجه اول تلقی دیگری از محیطهای مختلف اجتماعی دارند. برای آنها و با " قیاس به نفس " کلاسهای درس دانشگاهها ادارات، سالنهای غذاخوری، دریا و... قبل از آنکه تجمعی برای هدف معین - آموزش، کار، ورزش و... - باشد تجمعی است از زنان و مردانی که برای همدیگر جنگ و دندان تیز کرده اند و لاجرم باید با چوب و برزنت و چادر چاقچور و بتون آنها را از هم جدا ساخت و این در حالی است که به انواع و اقسام انحرافات و انحطاطهای اخلاقی و فسادهای اجتماعی، بویژه فحشاء رسمیت شرعی و قانونی بخشیده اند. این تفکر منحط و ارتجاعی زمانی که با ضدیت بنیادین دست اندکاران ج ۱۰ با هر نوع شادی و تفریح عموم مردم، می آمیزد نتیجه ای چون " طرح سالم سازی دریا " را به بار می آورد. هدف از طرح مزبور که در برخی مناطق ساحلی مازندران به اجرا در آمده است، از منظر استانداری مازندران اینگونه بیان شده است:

" جلوگیری از ایجاد و اشاعه فساد، فحشاء، منکرات، قاچاق، ماریوات الکلی و مواد مخدر در شهرهای ساحلی و کناره دریا از یک منسو و جایگزینی استفاده شاکرانه از مواهب طبیعی و تعالی و ایجاد تفریحات سالم جهت پرکردن اوقات فراغت حزبالله... بالاخره استفاده طبیعی از دریا به عنوان پایگاهی جهت گسترش فرهنگ اسلامی و تعمیق روح دینی " در نقطه

اما کارگران در اسفند ماه بالاخره موفق می شوند آنان را به تسلیم در برابر بخشی از مطالبات خود از قبیل حق اضافه تولید، پاداش و... وادارند. اما برخلاف تصور انتظار مدیریت، از دیگر خواسته های خود دست نمی کشند. نماینده منتخب شان از سوی آنها، مسایل را بی می گیرند از جمله با ارسال نامه هایی برای مسئولین دولتی، مطالبات کارگران را طرح و ضمن آن وضعیت مدیریت کارخانه را نیز افشا می کند.

از سواحل مازندران طرح " جداسازی " یسنا اجرا شده و یا برای اجرا در نظر گرفته شده است. هزینه دیوار کشی در هر واحد یک میلیون تومان ذکر شده است. بر اساس این طرح در هر واحد سه منطقه شنا وجود خواهد داشت: " منطقه شنای برادران، منطقه ممنوعه و منطقه شنسای خواهران " و " برادران انتظامات را به بیسن مسافرن دو قسمت با یکدیگر هستند. " و " شنا در کلیه سواحل جز مناطق مزبور ممنوع است و جهت اعمال این امر بیش از همه نیروهای مردمی و حزب الهی شوراهای اسلامی روستایی، انجمنهای اسلامی، داوطلبان مدارس شهرهای شمال استفاده می شود. برای اجرای بهتر این طرح - واسته شده تا در تابستان گذت جندالله ژاندارمری در بین راهها افزایش یافته و نیروهای انتظامی شهرهای ساحلی نیز در فصل شنسای تقویت شود. " و " از آنجا که تجربه سالهای قبل نشان داده اکثر متسلفین مسافرنی هستند که مدت کوتاهی در منطقه هستند لذا سرعت عمل دادگاهها جهت رسیدگی به جرائم و صدور احکام مقتضی از اهمیت خاصی برخوردار است تشکیل دادگاههای سیار در سواحل دریا میتواند تا حد زیادی زیاد - واسته فوق را برآورد سازد. " و... " شهرهایی که طرح جداسازی در آنها به اجرا در آمده عبارتند از خزرآباد ساری، جویمبار، بایلسر، غلنده، نور، فریدونکنار، سی سنگان، نوسر سلمان شهر، عباس آباد، کلاآباد، کتلم، تنکابن و رامسر " (کلیه نقل قولها از کیهان ۴ شهریور)

سردمداران خائن جمهوری اسلامی بجای پرداختن به خواسته های اساسی مردم، بیشترین هم خود را مصروف این می دارند که مردم را به تبعیت از هنجارهای قرون وسطایی خود وادارند و در این راستا ممنوع کردن شنا در مناطق وسیعی از ساحل تحمیل طرز تفکر و اخلاقیات منحط، جلوگیری از تفریح و شادی مردم با جداسازی اعضای خانواده از همدیگر، ایجاد دادگاههای سیار و گذت جندالله ژاندارمری و... همه و همه تجلی آمیزه ای از اندیشه ارتجاعی، اخلاقیات منحط و ضدیت با نشاط و شادمانی است که قبل از هر چیز رسوایی طراحان و مجریان آن است.

در پاسخ این اقدام، مدیریت کارخانه بر خورداران پشتیبانی وزارت کار، اخیراً نماینده کارگران را با اتهام ایراد افترا و اخلاقی اخراج می کند. اینک بر مطالبات کارگران بازگشت نمایند ماخراجی نیز افزوده شده است. با اینکه در پی آن فشار بر کارگران از طریق تهدید مداوم به اخراج افزایش یافته است، کارگران کارخانه جنرال صنعتی مصممند، با قاطعیت همه مطالبات خود را دنبال کنند.

به مناسبت یازدهمین سالگرد کودتای آمریکایی پینوشه در شیلی

سالوادور آلنده: تاریخ از آن ماست!



من مطمئنم بذری را که ما در وجودمان
و آگاهی شایسته هزارها هزار مردم شیلیایی
کاشتنیم، نمیتوان ریشه کن کرد. آنها قدرت
دارند، آنها میتوانند ما را بربر بیوغ خود در آورند،
ولی با جنایت و اعمال قهر نمیتوان از سیر تکامل
اجتماع جلوگیری کرد. تاریخ از آن ماست و
صفحات آنرا خلق ها مینگارند.
زحمتکشان میهن من!

من به مناسبت انبرافاداری داعمی شما،
از اعتقادی که شما نسبت به مردی که تجسم اشتیاق
نسبت بعدالت بود، مردی که قول داد به قانون
اساسی و قوانین دیگر احترام بگذارد، و این
کار را تم کرد، از شما تشکر میکنم. در این
لحظه تاریخی، در این آخرین لحظه ای که
من میتوانم با شما سخن گویم، باشد که این درس
برای شما آموزنده باشد: سرمایه خارجی،
امپریالیسم، در پیوند با ارتجاع داخلی چنان
محیی بوجود آوردند تا نیروهای نظامی بتوانند
سنتی را که ژنرال شماید به آنها آموخت و
سروان آرایا آنرا تعقیب کرد، بشکنند. این
دو نفر هم قربانی همان بخشی از اجتماع شدند
که امروز در کمین است با کمک خارجی قدرت
از دست رفته را باز بگیرد تا بهتر بتواند از
دارائی و امتیازات خود دفاع کند.

من بپرتو به زنهای ساده کشور شما،
به زن دهقان که به ما اعتقاد داشت، به زن
کارگر که بیش از پیش کار کرد، به مادری که
از دست سوزی ما نسبت به کودکان آگاه بود، رویکنم.
من به نمایندگان روشنفکران علمی و فنی کشور ما
و به افراد میهن پرست میان آنها روی میآورم که
از روزها پیش علیه خرابکاری اتحادیه های
مشاغل مبارزه کردند، همان اتحادیه های
که تنها از امتیازاتی که جامعه سرمایه داری به
عده معدودی عطا میکند، دفاع میکنند.
من به جوانان رویکنم، به آنهایی که
ترانه میخوانند و با شور و شوق و روح بیکارچو
کار میکردند. من به مردان شیلی، به کارگران،
دهقانان، روشنفکران، به کسانی که تحت تعقیب
قرار خواهند گرفت، رویکنم و میگویم: از ساعتها
پیش فاشیسم در کشور ما با ترور، با انفجار، پلها،

۱۱ سپتامبر مصادف است با یازدهمین سالگرد
کودتای نظامی در شیلی و سرنگونی حکومت
مترقی دکتر سالوادور آلنده. در این روز فراموش
خائن ارتش و در رأس آنها اگوستینو پینوشه
توطئه پلیدی را که توسط امپریالیسم آمریکایی و
سازمان جهنمی سیا و با نظارت شخص کیسنجر،
طرح ریزی شده بود به موقع اجرا گذاردند.
آنچه که در زیر می آوریم، آخرین
سخنرانی آلنده است، آن هنگام که کاخ ریاست
جمهوری در محاصره مزدوران سیا بود. آخرین
کلماتی که از دهان آلنده خارج شد، همچنان
در شیلی طنین افکن است. صدای چکمه
دژخیماکی که پینوشه در رأس آنها نشسته است،
هرگز نتوانست این صدا را خاموش سازد. پرچم
رزم برافراشته است و زحمتکشان شیلی در حالی
که به افق روشن آینده چشم دوخته اند، پیش
می تازند. همچنان که آلنده گفت تاریخ از آن
آنهاست. پیروزی نهایی نزدیک است.

هم میهنان!

با احتمال قوی این آخرین فرصتی است که من
میتوانم با شما سخن گویم. نیروی هوایی برجهای
فرستنده رادیوهای "پورتالس" و کوپوراسیون را
بمباران کرده است. سخنان من حاوی اندوه
نیست، ولی حاکی از تاسف است. سخنان من
برای کسانی که به سوگند خود خیانت کردند،
یک کیفر اخلاقی است.
سربازان شیلی!

در سالار مرینو، که خود خویش را بعنوان
سرفرمانده منصوب کرده، و آقای مندوزا، این
ژنرال فرومایه که تا همین دیروز وفاداری و اخلاص
خویش را به دولت ابراز میداشت. اینها
هستند سوگند شکنان! بنا بر این واقعیات برای
من کار دیگری باقی نماند بجز آنکه در مقابل
زحمتکشان یکبار دیگر تاکید کنم:

من استعفا نمیدهم!

من در یک مرحله گذار تاریخی، به
وفاداری خلق یا ایتار جان خویش پاسخ میدهم
و به شما میگویم:

با قطع خطوط راه آهن و نابودی لوله های
نفت و گازهای خود را نشان میدهد.
در مقابل، آن کسانی که تعهد کرده
بودند علیه فاشیسم مبارزه کنند، سکوت کرد مانند
تاریخ درباره آنها قضاوت خواهد کرد.
ماگنا رادیوی "ماگنا-س" را خفیه
خواهند کرد تا آهنگ آرام صدای من به گوش شما
نرسد. اهمیتی ندارد. شما در آینده هم
صدای مرا خواهید شنید. من همیشه در میان
شما خواهم بود. لاقول خاطر من، یعنی
انسان با شرفی که به امر خدمت به خلق زحمتکش
تا آخرین نفس وفادار ماند، زنده خواهد ماند.
خلق باید از خود دفاع کند، اما نباید
خود را تریانی کند. خلق نباید در مقابل جور
و ستم سر تسلیم فرود آورد و رنج بکشد، ولسی
بمحقیر و تخفیف هم نمیتواند تن در دهد.
زحمتکشان میهن من!

من به شیلی و آیند هاشن اعتقاد دارم. کسان
دیگری بر این لحظات تاریک و تلخ که محصول
خیانت است، فائق خواهند آمد. دیر یا زود
شاهراه فراخی گشوده خواهد شد که در آن
انسانهای واقعی برای ایجاد جامعه ای بهتر
گام برخواهند داشت. زنده باد شیلی! زنده باد
خلق! زنده باد زحمتکشان! اینست بازبین
سخنان من. من اعتقاد راسخ دارم که ایشار
جان من بی ثمر نخواهد بود. من ایمان کامل
دارم که این فدکاری، حداقل یک درس اخلاقی
خواهد بود و جنب و خیانت را کیفر خواهد داد.
کرده است.
از جمله، سازمانهای زیر اعلامیه فوق را امضا
کرده اند:
کمیته ضد فاشیستی ترکیه و کردستان ترکیه،
انجمن کارگران کرد، جبهه همبستگی شیلی،
تشکیلات دمکراتیک زنان ایران (واحد برلن غربی)،
اعضای حزب کمونیست شیلی در برلن غربی،
حزب سوسیالیست متحده برلن غربی، سازمان
جوانان سوسیالیستی کارل لیبکنشت، انجمن
دانشجویان ترک برلن غربی، فداییان خلسق
ایران (اکثريت)، برلن غربی، انجمن زنان
ترک برلن غربی، حزب توده ایران (واحد برلن
غربی)، اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا.

اعلامیه احزاب و سازمانهای مترقی در برلن غربی

احزاب و سازمانهای مترقی در برلن غربی،
از جمله گروههای سیاسی شهروندان خارجی،
طی اعلامیه ای مردم این شهر را به حضور در
اکسیونهای مشترک این سازمانها در برابر
همبستگی با مبارزه خلقهای آسیا، آفریقا و آمریکای
لاتین علیه امپریالیسم امریکا و دست نشاندهگان
آن فراخواندند. در این اعلامیه، ضمن اشاره به
موارد متعدد جنایات نواستعمار علیه خلقهای
کشورهای رشد یافته و جنبشهای رهایی
بخش، همدستی مقامات برلن غربی با "سرکوبگران"

متجاوزین و جنایتکاران" مورد انتقاد قرار گرفته
و از جمله، از فعالیت تبلیغاتی دیکتاتوری ترکیه
تحت حمایت "سنا" (دولت محلی) برلن غربی،
دعوت "لوسر" سناتور (وزیر) برلن غربی
از افسران پلیس السالوادوری برای "تبادل
تجربه" و پذیرایی "دیپکن" شهردار برلن
غربی از نو تارنیس نژاد پرستان آفریقای جنوبی
یاد شده است.

اعلامیه مذکور، همچنین به تحقیر و اعمال
فشار تا حد اخراج علیه پناهندگان سیاسی اشاره



رویدادهای جهان

رفیق چرنکو: آمریکایی خواهد مذاکره کند

رفیق کنستانتین چرنکو، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست، و صدراعظم هیات رئیس‌جمهوری یاری اتحاد شوروی، در پاسخ به پرسش‌های روزنامه شوروی پرآوا، در باره پارامی مسایل سیاسی اظهار نظر کرد.

رهبر شوروی ضمن اشاره به اینکه طراحان سیاست خارجی آمریکا همچنان تنش‌های بین‌المللی را شدت می‌بخشند، گفت در روشننگتن اینک "جنگ صلیبی" نه تنها علیه سوسیالیسم بلکه در عمل علیه تمام دنیا مطرح است. رفیق چرنکو افزود: لیا هنوز هم در ایالات متحده آمریکا عده‌ای نمی‌خواهند به این امر عادت کنند که اتحاد شوروی اجازه نخواهد داد هیچکس نسبت به آن برتری نظامی کسب کند.

دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی در باره خاور نزدیک گفت: "رویدادهای غمانگیزی که در آنجا به وقوع می‌پیوندد، نشان می‌دهد که نه با توافق‌های جداگانه و نه بدتر از آن، با مداخله نظامی می‌توان به صلح دست یافت." او وضع این منطقه تنها از طریق تلاش‌های جمعی همه طرف‌های ذینفع قابل اصلاح اساسی است. طرح شوروی برای یک راه حل صلح آمیز در خاور نزدیک، بر این شالوده استوار است و در جهان عرب نمونه تنها در آنجا حمایت‌های وسیعی برانگیخته است.

رفیق چرنکو تاکید کرد جهان طبق معیارهای آمریکایی زندگی نخواهد کرد.

رهبر اتحاد شوروی در باره مذاکرات پیرامون جلوگیری از نظامی کردن کیهان اظهار داشت دولت آمریکا خواهان حل این مسئله نیست، و از اعلام آمادگی برای مذاکرات، تنها هدف فریب افکار عمومی و انحراف ذهن از برنامه‌های تسلیحاتی خود در فضا را دنبال می‌کند. رفیق چرنکو گفت اتحاد شوروی پیشنهاد می‌نماید هم‌زمان با شروع مذاکرات مربوط به تسلیحات فضایی، توافق درباره توقف ("موت‌تیریم") اسلحه‌های این سلاحها حاصل شود.

دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی در رابطه با مذاکرات درباره موشک‌های میان‌برد و استراتژیک، با اشاره به خودداری واشنگتن از شرکت در گفتگو پیرامون این مسئله به مدت یک سال، و سپس تلاش آن برای تحمیل راه حل‌های یک جانبه در جریان مذاکرات، گفت آمریکا مذاکرات زورنا با انحراف از اصل برابری و امنیت مشترک، با شکست مواجه ساخت.

رهبر شوروی در پایان آمادگی کشور خود را برای انجام مذاکرات جدی و صادقانه در باره مسایل یاد شده، اعلام کرد.

مباران هوایی خاک لبنان توسط اسرائیل

روز سه شنبه ۶ شهریور، جنگنده‌های اسرائیلی بار دیگر بخش‌هایی از دره بقاع لبنان را بمباران کردند. این حمله هوایی، بی‌سابقه دنبال یورش قبلی هواپیماهای جنگسی صهیونیست‌ها به شهر "برالیاس" که در جنوب جاده بیروت - دمشق قرار دارد، انجام گرفت. در فاصله این دو بمباران، هواپیماهای جاسوسی اسرائیل چندین باره حرم هوایی لبنان را تدارک کرده، و از جمله، بر فراز بیروت به پرواز درآمدند.

به دنبال این تجاوزات، لبنان در شورای امنیت سازمان ملل متحد خواستار رسیدگی به این موضوع گردید. در شکایت لبنان، علاوه بر بمباران دره بقاع، به جنایاتی که صهیونیست‌ها علیه مردم جنوب لبنان مرتکب می‌شوند، اشاره شده است. در شورای امنیت، اتحاد شوروی، هند و چین خواهان خروج فوری اشغالگران اسرائیلی از لبنان شدند.

ترکیه: محاکمه به "جرم" امضای منشور برای آزادیهای سیاسی

از ۲۴ مرداد، محاکمه ۵۶ نفر در آنکارا به "جرم" امضای منشور تحت عنوان "تحقیقات و مطالبات امضاکنندگان درباره نظام دموکراسی در ترکیه" آغاز شده است. این ۵۶ نفر، که عین‌زین‌سین نویسنده بزرگ ترک آنکارا، جله است، به همراه ۱۲۰۰ نفر دیگر، این منشور را در تاریخ ۲۵ اردیبهشت امسال انتشار دادند. در این منشور، "وضعیت نظام دموکراسی در ترکیه" مورد بررسی انتقادی قرار گرفته است. در این سند، به محدودیت حقوق دموکراتیک و سیاسی نظیر حق دموکراتیک داشتن عقیده و اظهار آراء آزادانه آن، حق فعالیت آزاد علمی، و نیز به وجود شکنجه در زندانها و نقض موازین قضایی و حقوقی، اشاره شده است. امضاکنندگان منشور، خواهان آن گشته اند که "همه مقررات و اعمالی که مغایر بانفس دموکراسی است، از طریق دموکراتیک ملغی گردد." این منشور در سطح بین‌المللی از سوی ۲۰۰۰ شخصیت اجتماعی در اروپای غربی و آمریکا مورد حمایت قرار گرفته است.

ژنرال اهرن، رئیس جمهور ترکیه، در رابطه با این منشور گفت: "دشمنان خارجی می‌خواهند دژ آزادی را در آنجا تسخیر کنند." او افزود این دشمنان "قصد دارند آرامش و ثباتی را که ما ایجاد کرده ایم، از بین ببرند."

البته، از این اتهام - به اصطلاح "خیانت" - در کفرخواست دادستان ذکر نرفته است. ۵۶ شخصیت مذکور متهم شده اند که برخلاف مقررات حکومت نظامی بنام "قانون شماره ۱۴۰۲"، دست به انتشار اعلامیه با محتوای سیاسی زده‌اند.

تحریم موفقیت آمیز "انتخابات" نمایشی در آفریقای جنوبی

اکثريت شهروندان آسیایی الاصل آفریقای جنوبی از شرکت در انتخابات مجلسی "نمایندگان" این گروه از مردم کشور خودداری کردند. این مجلس، بنا به مقررات رژیم نژاد پرست پرتوریا، عملاً فاقد هرگونه حقی است. طبق آمار رسمی رژیم آپارتاید، تنها ۲۰ درصد واجدین شرایط ثبت شده، به پای صندوق‌های رای رفتند.

ارگانهای سرکوب نژاد پرستان، در آستانه انتخابات، علیه تظاهرات راهپیمایی‌هایی که به طردن این نمایش برگزار شد، به خشونت متوسل شدند. تنها در رناتسیا، محله‌ای از ژوهانسبورگ، ۱۰۰۰ نفر بر اثر حمله پلیس مجروح شدند. کاراشک آروسلاح‌های دارای گلوله‌های لاستیکی مجروح گشتند. در سووتو، شهرکی که قتل عام سال ۱۹۷۶ در آن به وقوع پیوست، تعداد زیادی از دانش آموزان بازداشت شدند. پلیس با حمله به یک خبرنگار، یک گوشه را کند و در رینش را شکست. برخی دیگر از خبرنگاران، با ضربات باتوم مصدوم شدند.

در روز انتخابات، به ویژه در محلات آسیایی نشین، صد هاست از دانش‌آموزان و دانشجویان از رفتن به کلاسهای درس خودداری کردند.

"کنگره ملی آفریقا" و "جبهه متحد دموکراتیک" از مردم دعوت کرده بودند. انتخاباتی را که علاوه بر محروم ساختن کاملاً سیاهپوستان - نزدیک به سه چهارم جمعیت کشور - از شرکت در زندگی سیاسی و اجتماعی، متضمن حقوق برابر سایر گروه‌های غیر سفید (هندی‌ها و "دورگه‌ها") با سفیدپوستان نیز نخواهد بود، تحریم نمایند.

لازم به یادآوری است انتخابات "دورگه‌ها" که یک هفته پیش از نمایش انتخاباتی برای هندی‌ها برگزار شد، نیز به شکست کامل رژیم نژاد پرست انجامید. در آن انتخابات نیز، اکثريت واجدین شرایط رای ندادند.

اولیور تامبو، صدراعظم ملی آفریقا، طی یک کنفرانس مطبوعاتی در آلمان، دموکراتیک اظهار داشت برگزاری مانور انتخاباتی، باعث تقویت جنبش مقاومت گشته است. وی افزود: "خلق ما خواهان سرنگونی نظام کنونی و برقراری یک دولت دموکراتیک، واحد و غیر نژادی است که طبق اراده مردم حکومت کند."

با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید!



تیراندازی به روستائیان

در خرداد ماه سال جاری در روستای "هورو" واقع در استان ایلام، از سوی دولت اقدام به توزیع سهمیه کود شیمیائی روستائیان نمودند. نا کافی بودن کود توزیع شده، باعث اعتراض دهقانان گردید. مسئولین مربوطه که برای زحمتکشان حق هیچگونه اعتراض و اظهار نظری قائل نیستند، به تهدید و توهین روستائیان پرداختند. "نمرد" روستائیان با اطلاع نیروهای سپاه پاسداران مستقر در "گهواره" میرسد آنها بلافاصله یک واحد مسلح به تیربار بطرف این روستا روانه کردند. پاسداران به محض رسیدن به محل، شروع به تیراندازی بسوی مردم نمودند که در نتیجه آن عده زیادی مجروح شدند. تعدادی از این مجروحین که وضع خطرناکی داشتند، در بیمارستان شهر اسلام آباد بستری شدند.

بهشت زهرا

در تهران و همه شهرهای کشور حضور مردم بر مزار رزمندگان که بدست رژیم شهید شده اند، افزایش مییابد. این وضعیت حکومت را بشدت نگران کرده است. در تهران همانگونه که قبلا گزارش کردیم، ارگانهای مختلفی از بهشت زهرا مراقبت میکنند تا از حضور مردم بر سر قبر شهیدا جلوگیری نمایند. آنها کسانی را که در نقطه شهیدا گرد میآیند، مورد ضرب و شتم قرار داده و گهگاه دستگیر میکنند. در دهام تیرماه، نیروهای سپاه، به قطعه شهدای سازمان مجاهدین خلق حمله کرده و همه کسانی را که در آنجا بودند، دستگیر نمودند. از جمله دستگیر شدگان دخترک ۱۴ سالهای بود که بر سر قبر برادر شهیدش، که سه سال پیش تیرباران گردید، بنیسته بود. او را بزنند و منتقل کرده و مورد تهدید و آزار قرار دادند. از جمله کیسه پر از سوسکی را باین دخترک نشان میدادند تا وحشتزده شود و اعتراف نماید که دوستان برادرش چه کسانی بودند. در حالیکه این دختر در زمان حیات برادرش، دختر چپه کوچکی بود و اطلاعی در این زمینه نمیتوانست داشته باشد تا به بازجوها بدهد، او را برای کسب اطلاعات و مجازات بخاطر حضور بر سر قبر برادر، تا سه روز در زندان نگهدارند.

در صنایع دفاع ملی

وضعیت نابسامان تولید و سیاستهای ضد کارگری رژیم باعث شده است تا کارگران صنایع کشور همواره در معرض اخراج قرار داشته باشند.

در واحدهای متعددی به بهانه فقدان مواد اولیه کافی برای حفظ سطح تولید، کارگران بسیاری را اخراج کرده اند. اما در این میان وضعیت کارخانه صنایع دفاع ملی استثنائتی است. این کارخانه که تولیداتش در خدمت جنگ قرار دارد، برای حفظ سطح تولید و افزایش آن، از همه امکانات برخوردار است، از این رو از جمله معدود واحدهای تولیدی است که به استخدام جدید دست میزند. اخیرا نیز گروهی کارگر تازه استخدام کرده است. مدیران و سرپرستان با استفاده از بی تجربگی کارگران جدید، اقدام میگویند، آنان را وادار سازند بر سرعت کار بیفزایند. اما کارگران قدیمی که در اعتراض به وضعیت موجود، عدا کارها را بکندی انجام میدهند، به کارگران تازه میآموزند که چگونه میتوان در برابر فشارهای سرپرستان مقاومت نمایند.

در همین کارخانه، کارگری که دیر سرکار حاضر شده بود، با توهین یکی از سرپرستان مواجه شد. در نتیجه کشفکشی که ایجاد گردید، سرپرست بدست کتک خورد. مدیریت دستور اخراج فوری این کارگر را داد. اما کارگران بخش مربوطه به پشتیبانی از این کارگر خاسته و موفق شدند مانع اخراج وی شوند.

در ایام انتخابات رفسنجانی بسیاری سخنرانی باین کارخانه آمده بود. برای اینکه کارگران را به محل سخنرانی بکشاند، درهای ناها زخوری را بستند. کارگران بناچار پیسه سالن سخنرانی رفتند. رفسنجانی بی آنکه به هیچ يك از مسائل کارگران اشاره ای بکند، به پرکوشی خسته کنندهای در باره مسائل نامربوط پرداخت. از اواسط سخنرانی او بتدریج غالب کارگران سالن را ترک کردند.

نگهبان برای حفاظت از تصاویر

مردم ایران فراموش نکردند که رژیم شاه در پایان عمر خود مجبور بود، ششانه روز از بیکرها و تصاویری کنار سرکردگان و دوستان مقهور پهلوی در مجامع عمومی وجود داشت، از طریق استقرار دائمی محافظین مسلح، حفاظت نماید. آن رژیم میدانست که در غیر این صورت، مردم هرچه را که نشان شاهی داشته باشند، بزیر میکشند. این سرنوشته گرا هتیار و علاقه ناپذیر همه مترجمین است و رژیم جمهوری اسلامی را هم از آن گریزی نیست.

در مدخل ورودی بندر اتزلی از مدتها قبل تصاویر بزرگ سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را در کنار جاده نصب کرده بودند. چندی پیش شبانه این تصاویر بدست مردم بصورت مضحکی تخریب میشود. این وضعیت اسباب خنده و تفسخ مردمی شد که از جاده پرازدهام اتزلی-رشت گذر میکردند. پخش وسیع خبر در منطقه، رژیم

را در موقعیت حقارتباری قرار داد. مقامات محلی بدست و پا افتاده و چون ترمیم مجسد و نصاب هر مقدور نبود، پرده بزرگ سفید بر روی آنها کشیدند تا پیش از آن مفتضح نشوند. اما از آنجا که میدانستند، هیچ تضمینی برای باقیماندن پرده هم وجود ندارد، بناچار محافظین مسلح را به پاسداری از پرده گذاشتند. و پاسدار، دژ و ژاندارم و دیاسبان مامور مراقبت و نداداری شدند.

جنایت بنام عدالت

همانگونه که مطبوعات خبر دادند بدستور مقامات قضائی رژیم و بر طبق لایحه ارتجاعی قصاص، اخیرا در تهران چهار انگشتیک متهم بسرقت بریده شد. این متهم جوان بیست و سالی بود. این حکم وحشیانه بدست یکی از ایادی حکومت که دانشجوی پزشکی بود، اجرا شد. کوشش رژیم برای اینکه پزشکان و پزشکی قانونی را باین جنایت وادارد، به نتیجه نرسید و انزجار آنها را برانگیخت، حکومت تنها موفق شد یکی از این پزشکان را با جبار در صحنه جنایت بنشانند.

این اقدام قسا و تبار، در میان کارکنان دادگستری خشم شدیدی ببار آورد. در زندان نصر تهران هم زندانیان وسیعا این جنایت ارتجاع را محکوم کرده و نسبت به این جوان ابراز دمدردی میکردند.

تغییر روز انتشار نشریه "اکثريت"

نشریه "اکثريت" از شماره ۲۴ به بعد به جای روزهای جمعه، دوشنبه هر هفته انتشار خواهد یافت.

AKSARIYAT
NO 23
FRIDAY 7 SEPT 84

Address	آدرس
POSTFACH 23007 6500 MAINZ 23 W. GERMANY	آلمان فدرال
P.O. BOX 101 LONDON N17 8YU ENGLAND	انگلستان
P.O. BOX 86158 LOS ANGELES, CA 90086 USA	ایالات متحده
C.P. 3125 00122 OSTIA LIDO (ROMA) ITALY	ایتالیا
P.O. BOX NO 3018 NEW DELHI - 110003 INDIA	هندوستان